

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین (DMITRY MININ)

برگردان: ا. م. شبیری

۱۳ جنوری ۲۰۲۴

## ایران بر این گمان است که اسرائیل عمداً به خود شلیک می کند



خاورمیانه بدون این که منتظر شرق دور باشد، منفجر می شود

جهان در روزهای آغازین سال جدید در انتظار نتایج انتخابات ریاست جمهوری تایوان در ۱۳ جنوری متحیر از این ماند که در پی آن ممکن است به دلیل احتمال مداخله چین، اوضاع در خاور دور متشنج و حتی قبل از خاورمیانه منفجر شود. ابتداء در دوم جنوری در نتیجه حملات هواپیماهای بدون سرنشین چند تن از رهبران حماس در بیروت کشته شد و بلافاصله پس از آن در سوم جنوری، یک حمله تروریستی بزرگ در ایران در گلزار شهدای کرمان، در نزدیکی مقبره جنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سابق سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که توسط امریکائی‌ها با همکاری اسرائیلی‌ها ترور شد، رخ داد. در این حادثه چند صد غیرنظامی کشته و زخمی شد. اگرچه، در مورد اول، هیچکس واقعاً «دست موساد» را انکار نمی‌کند، اما مورد دوم، داعش مسؤلیت آن را برعهده گرفت، ایران دلایل خاصی برای مشکوک شدن به یکی بودن طراح نهائی هر دو حادثه دارد.

آن‌ها معتقدند که اگر به منطق کلی رفتار دولت راست افراطی کنونی اسرائیل در شروع درگیری و به رفتار تحریک‌آمیز آشکار آن در آستانه حوادث ۷ اکتوبر نگاه کنید، انگیزه آن براحتی روشن می‌شود. نتانیاهو به همراه همکاران بسیار متعصب خود مانند ایتمار بن گویر، وزیر امنیت ملی و بنسالی اسموتریچ، وزیر دارائی، تاکتیک «شلیک به خود» را اتخاذ کرد. و از آنجائی که می‌دانست «بازی کوچک» جواب نمی‌دهد، پس با جلب حزب‌الله لبنان و

ایران به عملیات نظامی، در حالی که ارتش (اسرائیل) بسیج شده و آماده نبرد است، مخاطرات را افزایش می‌دهد. برای اسرائیل دشوار است که بدون دخالت گسترده آمریکا روی دستیابی به هدف خود یعنی «راه حل نهائی» مشکل فلسطین حساب کند. اما آمریکا به دلیل ملاحظات انتخاباتی، «با تظاهر به انساندوستی»، خواسته‌های مختلف «بشردوستانه» در مقابل اسرائیل مطرح می‌کند. اما وقتی که جنگ منطقه‌ای شود و تهران و نیروهای نیابتی لبنانی‌اش درگیر شوند، واشینگتن خواه ناخواه مجبور به مداخله خواهد شد.

در شرایط یک جنگ بزرگ، همانطور که مقامات کنونی اسرائیل تصور می‌کنند، آمریکا در مقابل روند اخراج فلسطینی‌ها که از قبل آغاز شده، مانع ایجاد نخواهد کرد و هیچ کس در رسانه‌های غربی حتی متوجه آن نیست. این واقعیت که این امر برای امریکائی‌ها گران تمام خواهد شد، از نظر دولت راست افراطی اسرائیل اصلاً مشکل نیست. زیرا، بر این باور است که اکنون لحظه تاریخی حل مشکل موجودیت ملی کشور برای قرن‌های آینده فرارسیده است. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، با توجه به چنین محاسباتی، تنها یک صحنه زودگذر است و برنده اجتناب‌ناپذیر آن در چنین شرایطی، ترمپ، بسیار بیشتر از جو بایدن «خواب‌آلود» برای جناح راست اسرائیل مناسب است. دانیل لوی، مذاکره‌کننده سابق صلح اسرائیل می‌گوید: «دولت نتانیاهو خواهان پایان این جنگ نیست. از منظر سیاسی، نتانیاهو از فردای پایان جنگ با مشکل جدی مواجه خواهد شد. زیرا، بعد از آن تحقیقات درباره ناکامی‌های طرف اسرائیلی آغاز می‌شود». بنابراین، اگر کسی از پایان جنگ می‌ترسد، چرا آن را طولانی نکند؟ چرا جبهه دیگری در شمال باز نشود، مردان و زنان بیشتری لباس متحدالشکل نپوشند تا کشور همچنان تحت حکومت نظامی بماند و شهروندان و سیاستمداران امکان طرح سوالات دشوار نداشته باشند؟

تصادفی نیست که ارتش اسرائیل در آستانه عملیات در بیروت و حادثه تروریستی کرمان، خروج ۵ تیپ خود از غزه را ظاهراً با این توجیه که مقاومت اصلی در آنجا سرکوب شده و اگر حماس کاملاً نابود نشده، اما به این زودی‌ها به خود نخواهد آمد، اعلام کرد. خلاف گزارش برخی آژانس‌های غربی مبنی بر مرخص کردن این واحدها، این موضوع هنوز مطرح نشده است. این تیپ‌ها ظاهراً علیه حزب‌الله و ایران به شمال اعزام شده‌اند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر در دیدار با آموس هوخشتاین، فرستاده ویژه آمریکا در ۴ جنوری اعلام کرد که «اسرائیل به تغییر اساسی وضعیت امنیتی در مرزهای خود با لبنان متعهد است و امنیت در مرز شمالی باید برقرار شود تا تقریباً ۱۰۰ هزار نفر از ساکنان تخلیه شده از منطقه بتوانند به خانه‌های خود بازگردند و در امنیت زندگی کنند». او به هوخشتاین گفت: «ما تا رسیدن به این هدف متوقف نخواهیم شد، چه از طریق دیپلماتیک باشد که اسرائیل ترجیح می‌دهد و چه از راه‌های دیگر». چاک فریلیچ، معاون سابق مشاور امنیت ملی اسرائیل خاطر نشان کرد: «پس از حمله خونین ۷ اکتوبر، اسرائیل مصمم‌تر، جسورتر و متحدتر از همیشه است. ما به مرحله سوم می‌رویم».

هم لبنان و هم ایران، تحقیقات رسمی در مورد حملات تروریستی را آغاز کرده‌اند. در پرونده قتل معاون رئیس دفتر سیاسی حماس، صالح العاروری و یارانش در بیروت، اسرائیل مستقیماً متهم شده است. در مورد کشتار مردم در گلزار شهدای کرمان ایران، اوضاع پیچیده‌تر است. در اطراف کانال رسمی تلگرام داعش، اما نه در بستر اصلی آن، بیانیه‌ای منتشر شده که این سازمان تروریستی انجام این عملیات را به عهده گرفته و در میان بازداشت‌شدگان این پرونده، واقعاً اعضای آن وجود دارند. اما غرب این را بهانه‌ای برای اثبات این ادعا که اسرائیل هیچ ارتباطی با آن ندارد، قرار داده است. در عین حال، خبرگزاری تسنیم ادعا می‌کند که همه این‌ها بیشتر یک «پوشش» است. زیرا، شواهد بسیاری دست اسرائیل را در پشت نشان می‌دهد. مثلاً، در سندی که ادعا می‌شود داعش ممنوعه در روسیه تهیه کرده، ایران با نام امروزی‌اش ایران خوانده شده، در حالی که بنا به دلایل اعتقادی «داعشی‌ها» همیشه بدون استثناء آن را «پارس» یا

«ولایت خراسان» می‌خوانند. شاید همانطور که ایرانی‌ها معتقدند، موساد عمداً این اشتباه را مرتکب شده تا برای دنیا هیچ معنایی نداشته باشد و به روایت داعش ایمان بیاورد، اما تهران می‌داند که در واقع چه کسی «انتقام» ۷ اکتوبر را از آن گرفت. اسرائیل می‌توانست «در تاریکی» از «داعش» استفاده کند. به این ترتیب، اقدامات تلافی‌جویانه ایران مانند «تجاوز بی‌دلیل و ناموجه» به نظر می‌رسید و اسرائیل به هدف خود می‌رسید و دست «پاک» باقی می‌ماند.

نجیب میقاتی، نخست‌وزیر موقت لبنان در یکی از آخرین تلاش‌هایش برای جلوگیری از کشاندن این کشور به جنگ، با سرلشکر آرولدو لازارو، رئیس هیأت سازمان ملل متحد (یونيفل) و فرمانده نیروهای صلح‌بان آن (حدود ۱۰ هزار نیروی حافظ صلح) دیدار کرد. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد مدت‌هاست که مرز بین اسرائیل و لبنان را کنترل می‌کند. اما تجربه نشان می‌دهد که در بهترین حالت می‌تواند به جای جلوگیری از یک درگیری دو طرفه در مقیاس بزرگ، فقط از خود دفاع کند. میقاتی در این دیدار «نقض مکرر حاکمیت کشور از سوی اسرائیل» را محکوم کرد. او به رئیس نیروهای حافظ صلح گفت: «اسرائیل سال‌هاست که قطعنامه‌های سازمان ملل را نادیده می‌گیرد و خواستار حمایت جدی سازمان ملل از لبنان شد». اما، از نقطه نظر حزب‌الله، که جنوب لبنان را کنترل می‌کند، این کافی نیست. زیرا، تمام «خط قرمزها» زیر پا گذاشته شده است. مثلاً، در روز حمله به بیروت، مواضع آن در مرز بشدت گلوله‌باران شد و موجب تلفات زیادی گردید.

ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران گفت: «دشمنان معتقدند که می‌توانند از طریق اقدامات تروریستی به اهداف غیرقانونی خود برسند. اما، مردم ایران ثابت کرده است که چنین جنایاتی نمی‌تواند انسجام، امنیت و استراتژی آن‌ها را خدشه دار کند». رئیسی در صحبتی تلفنی با اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه گفت: «جنایات صهیونیست‌ها نتیجه‌ای نخواهد داشت». وی ایران امیدواری کرد، که «با همکاری، هماهنگی و رایزنی تهران و سایر کشورها ماشین جنگی اسرائیل هر چه زودتر متوقف شود و وضعیت فاجعه‌بار غزه به پایان برسد».

ناظران عرب به این سؤال فکر می‌کنند که آیا حزب‌الله و تهران این «طعمه آشکار» را تا آخر خواهند بلعید؟ اکنون رایزنی‌ها و تبادل هیأت‌های نظامی بین آن‌ها جریان دارد. ظاهراً، ضرورت و احتمال پاسخ تند چندان مورد بحث نیست. بلکه، شیوه‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

خطر یک جنگ گسترده در خاورمیانه در حال تبدیل شدن به واقعیت است. در تلاش برای جلوگیری از این خطر در شرایط مبارزات ریاست جمهوری آمریکا که برای کاخ سفید بسیار نامطلوب است، انتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، برای چهارمین بار متوالی در چند ماه اخیر به منطقه سفر کرد. اگر او توسط اسرائیل، وفادارترین متحدش آشکارا نادیده گرفته شود و مورد بی‌اعتنائی قرار گیرد، پس چگونه می‌توان از احترام شرکای عرب به رئیس دیپلماسی آمریکا صحبت کرد؟

برگرفته از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۲۲ دی - جدی ۱۴۰۲